



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۷/۲۹

نویسنده: م. ک. بهادر اکمار

مترجم: سید حسام مل

آمریکا در جنگ‌های اوراسیا و غرب آسیا مشارکت دارد

منبع و تاریخ نشر ۲۰۲۶/۰۷/۲۹

روز جمعه، حتی زمانی که دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا، پایان دور جدید درگیری با ایران را اعلام کرد، پنتاگون به طور نا محسوس، در یک اقدام ژئوپلیتیکی بسیار مهم، صحنه یا دامنه جنگ را به بحیره خزر گسترش داد. این حادثه به سختی در چرخه اخبار غرب جای گرفت.

اما [CGTN]، CGTN مخفف شبکه تلویزیونی جهانی چین، یک سازمان رسانه‌ای دولتی بین‌المللی است. این سازمان، بخش جهانی چند زبانه تلویزیون مرکزی چین (CCTV) است که تحت نظر گروه رسانه‌ای چین فعالیت می‌کند. [مترجم] شاید با این احساس که ایالات متحده می‌تواند مخفیانه جنگ خود را به منطقه خزر گسترش دهد، در ۲۵ جنوری گزارش داد: «به گفته یک مقام امنیتی در گیلان که توسط رسانه‌های ایرانی نقل شده است، راکت‌های آمریکایی به یک مقر نیروی دریایی سپاه پاسداران در منطقه زیبا کنار ولایت گیلان در بحیره خزر حمله کردند. به گفته خبرگزاری کار ایران، مقامات ولایتی گفتند که راکت‌های آمریکایی همچنین به شهر بندری بندر انزلی نیز اصابت کرده‌اند.»

استان یا ولایت گیلان که دارای خط ساحلی خزر است، در غرب با آذربایجان هم سرحد است، که ایران در سال‌های اخیر پس از گرایش جیو پولیتیکی منطقه ماورای قفقاز به مدار غرب، روابط پر آشوبی با آن داشته است. جای تعجب نیست که روابط روسیه با آذربایجان و ارمنستان نیز پس از افزایش نفوذ ایالات متحده (و ناتو) در ماورای قفقاز، دچار فرسایش شدید شده است.

ترامپ کلانتر (sheriff) جدید شهر باکو و ایروان است و رجب اردوغان، رئیس جمهور ترکیه، نقش معاون کلانتر را ایفا می‌کند. برای افزودن به پیچیدگی ماجرا، آذربایجان متحد نزدیک ترکیه است و روابط ترکیه با مسکو در سال‌های اخیر، پس از تصرف مخفیانه سوریه توسط گروه‌های وابسته به القاعده که توسط انقره حمایت می‌شوند، تا حدودی تیره و تار شده است.

از سوی دیگر، ترکیه نیز از نظر تاریخی هرگز دوست قابل اعتمادی برای ایران نبوده است. در طول جنگ با ایران در سال گذشته، ترکیه حریم هوایی خود را برای حمله هواپیماهای آمریکایی به ایران از آذربایجان باز کرد، که اتفاقاً یکی از پایگاه‌های عملیاتی کلیدی اسرائیل علیه ایران نیز هست.

با بهره‌گیری از درگیری اوکراین، اطلاعات غربی و ناتو نفوذ زیادی به مناطق قفقاز و بحیره خزر در همسایگی جمهوری‌های مسلمان روسیه داشته‌اند و امنیت ایران را در حالی که از قبل با تهدید وجودی از سوی اتحاد آمریکا و اسرائیل روبرو است، به چالش می‌کشند.

رسانه‌های غربی حمله هوایی هفته گذشته آمریکا به بندر انزلی را که بزرگترین بندر ایران در سواحل دریای خزر است و یک قطب حمل و نقل حیاتی مرتبط با شبکه راه‌آهن ملی ایران است، کم‌اهمیت جلوه دادند. دریای خزر یک مسیر تدارکاتی حیاتی و استراتژیک بین روسیه و ایران است. بندر انزلی برای تهران مانند بندر اودسا برای کیف است که در آنجا تسلیحات غربی را دریافت می‌کند. در واقع، ایران و روسیه روابط نظامی نزدیکی دارند.

بنابراین، حمله اوکراین به یک کشتی تجاری ایرانی در دریای خزر در آب‌های سرزمینی روسیه در روز شنبه، که اولین حمله از این نوع از زمان آغاز جنگ روسیه و اوکراین است، به هیچ وجه یک حادثه تصادفی نیست. کیف مسئولیت حمله به یک کشتی ایرانی را بر عهده گرفت و این نشان می‌دهد که یکی از پایدارترین مناطق امنیتی اوراسیا اکنون در معرض سرایت مستقیم درگیری اوکراین قرار دارد.

کرملین متوجه این موضوع شد و دیمیتری پسکوف، سخنگوی کرملین، در نشست خبری روزانه خود در روز سه‌شنبه اظهار داشت که «جغرافیای فعالیت‌های تروریستی رژیم کیف در حال گسترش است». او با اشاره به این حادثه، به طور مرموزی افزود که همه اینها «بار دیگر بر لزوم یک عملیات ویژه نظامی موفق و کامل تأکید می‌کند».

بنابراین، حمله اوکراین به یک کشتی تجاری ایرانی در دریای خزر در آب‌های سرزمینی روسیه در روز شنبه، که اولین حمله از این نوع از زمان آغاز جنگ روسیه و اوکراین است، به هیچ وجه یک حادثه تصادفی نیست. کیف مسئولیت حمله به یک کشتی ایرانی را بر عهده گرفت و این نشان می‌دهد که یکی از پایدارترین مناطق امنیتی اوراسیا اکنون در معرض سرایت مستقیم درگیری اوکراین قرار دارد.

کرملین متوجه این موضوع شد و دیمیتری پسکوف، سخنگوی کرملین، در جلسه توجیهی روزانه خود در روز سه‌شنبه اظهار داشت که «جغرافیای فعالیت‌های تروریستی رژیم کیف در حال گسترش است». او با اشاره به این حادثه، به طور مرموزی افزود که همه اینها «بار دیگر بر لزوم یک عملیات ویژه نظامی موفق و کامل تأکید می‌کند».

حمله به کشتی ایرانی از فاصله تقریباً (۱۲۰۰) کیلومتری انجام شد. مسکو بارها ادعا کرده است که چنین هدف گیری دقیقی در فواصل بسیار طولانی فراتر از توانایی نظامی اوکراین است و تنها با موشک مستقیم غرب امکان پذیر است. سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه، در «۲۴» جنوری دوباره به این موضوع اشاره کرد: «بخش قابل توجهی از حمایت ارائه شده به ولادیمیر زلنسکی (از غرب) از سوی ایالات متحده صورت می‌گیرد. این نه تنها به این دلیل است که آمریکایی‌ها به اتحادیه اروپا سلاح می‌فروشند و سپس آنها را به اوکراین منتقل می‌کنند، بلکه به این دلیل است که ایالات متحده اطلاعات و شناسایی ارائه می‌دهد، استارلینک عملیاتی می‌ماند و تکنولوژی‌های پیشرفته‌ای که نیاز به تخصص خاص در میدان نبرد دارند، به طور تصادفی به آنجا راه پیدا نمی‌کنند. اوضاع همین است».

جالب اینجاست که گزارش نیویورک تایمز در مورد حمله اوکراین تحت عنوان «حمله اوکراین به یک کشتی ایرانی می‌تواند دو جنگ را به هم نزدیک کند» منتشر شد. تیتروال استریت ژورنال به شرح زیر است: «دو جنگ در بحیره خزر همزمان با حمله اوکراین به خط تدارکاتی ایران به روسیه، به هم می‌رسند». الجزیره با بیان اینکه زلنسکی اوکراینی قرار است با ترامپ دیدار کند، در حالی که جنگ‌های ایران و اوکراین به هم نزدیک می‌شوند، موضوع را پیچیده تر کرد. گزارشی از بی‌بی‌سی اذعان کرد که «این حادثه اولین ارتباط مستقیم بین جنگ‌های ایران و اوکراین را نشان داد». با این حال، افزود: «اما برخی از کارشناسان، عاقلانه بودن تصمیم کیف برای شروع جنگ با ایران را زیر سوال می‌برند».

تأثیر درگیری ایران در ابتدا برای اوکراین منفی به نظر می‌رسید. این تهدیدی بود که توجه متزلزل ترامپ را منحرف کند. با این حال، نه تنها هیچ کاهشی در حمایت ایالات متحده از اوکراین ایجاد نشده است، بلکه از برخی جهات، دخالت ایالات متحده با تشدید عملیات مخفی در خاک روسیه تنها تشدید شده است. مسلماً، این مزایای تاکتیکی ممکن است در نهایت به نتیجه نرسد، زیرا مسکو نیز در حال افزایش حملات در سراسر خط مقدم اوکراین با هدف پایان دادن به جنگ در آینده نزدیک است.

احتمالاً انتصاب مجدد ژنرال سرگئی سورویکین، که زمانی فرمانده تلاش‌های جنگی مسکو در اوکراین بود، نشان دهنده یک حمله گسترده در آینده خواهد بود. این ژنرال بسیار مدال‌آور پیش از این در چچن و سوریه در جریان درگیری‌هایی که رنگ و بوی جنگ‌های نیابتی مشا به اوکراین داشتند، خدمت کرده بود.

حمله اوکراین به کشتی ایرانی می‌تواند یک اقدام هماهنگ از سوی واشنگتن باشد. اوکراین همزمان با بمباران ولایت گیلان توسط ایالات متحده اقدام کرد که نشان دهنده درجه‌ای از هماهنگی است. سفیر ایران در روسیه فاش کرد که کشتی در زمان حمله به سختی ۵ مایل از دهانه دریای ولگا فاصله داشت.

اگر توافق منطقه‌ای به رهبری مسکو در مورد امنیت جمعی دریای خزر تضعیف شود، رقابت‌های نظامی و امنیتی فرامنطقه‌ای می‌تواند منطقه را تضعیف کند و بر منافع اصلی روسیه و ایران تأثیر بگذارد. تهران حادثه دریای خزر را نه به عنوان یک رویداد تاکتیکی مجزا، بلکه به عنوان گواهی بر تغییر گسترده تر در محیط امنیتی پیرامون خود می‌بیند.

ماه اگست سال گذشته، توافق سه‌جانبه ایالات متحده، آذربایجان و ارمنستان در کاخ سفید امضا شد که یک کریدور ترانزیتی بزرگ در قفقاز جنوبی ایجاد خواهد کرد که «مسیر ترامپ برای صلح و رفاه بین‌المللی» نام خواهد

گرفت. به عبارت ساده، ایالات متحده و ناتو به طور جدی برتری روسیه در مناطق خزر/ آسیای مرکزی را به چالش می کشند. بدیهی است که دریای خزر دیگر آن منطقه عاری از درگیری که زمانی تصور می شد، نیست. عرصه جدیدی از رقابت جیو پولیتیکی، که اساساً چشم انداز امنیتی اوراسیا را تغییر شکل می دهد و به طور بالقوه نشان دهنده ظهور یک تناثر جغرافیایی جدید از درگیری است، که در آخر هفته گذشته پدیدار شده است.